

## به نام خدا

### متن سخنرانی حجت الاسلام سید محمد انجوی نژاد

#### موضوع: ارتقاء فرهنگی قسمت اول

اگره بخوایم خیلی تخصصی به بحث ارتقاء فرهنگی نگاه کنیم، باید کلمه فرهنگ رو تعریف کنیم و بگیم فرهنگ تشکیل شده از این و این ...

[اگره بخوایم] خیلی ساده تر و عامیانه تر بحث رو تعریف کنیم اینه: برخی از آدمها برای اینکه آدم خوبی بشن و به اعتقاداتشون عمل کنن، برای اینکه خیال آدم یه مقداری راحت باشه که اگر اینها از این مسجد، از این فضا، از این برهه خارج شدن می تونن خودشون رو حفظ کنن، یه مشکلی دارن تحت عنوان مشکل فرهنگی.

این مشکل فرهنگی، همون فحشی است که می گن طرف بی فرهنگه.

می گن: بی فرهنگه، ولش کن. فحشه، ولی مشخص می کنه که اشکال رفتاری بعضی ها مال یه جای دیگه است.

مثلاً به طرف بگو شما باید اینجا مبادی آداب باشی، خیلی با ادب راه بری، با ادب بشینی، با ادب بلند بشی، با ادب سر سفره بشینی، با ادب فاشق و چنگال دست بگیری، می تونه تا یه مدتی قشنگ خودش رو کنترل کنه. ولی یه جایی بالاخره همه این ادبها رو میداره کنار. مشکل این آدمه اینه که بی فرهنگه.

چی می شه یه آدمی رو اگر بکشی حرف بد نمی زنه و یه آدمی قول میده حرف بد نزنه، اما بعد از یه مدتی راحت قولش رو فراموش می کنه.

این مال فرهنگه. فرهنگ یه چیزیه که انسانها رو طی یه آدابی نگه میداره و اگر آدمی فرهنگ نداشته باشه نمی تونه.

چی می شه یه آدمی رو [اگره] بکشی، حاضر نیست خسیس باشه و باید برای یه آدمی اینقدر آیه و روایت بخونی که یه مقداری از خسیس بودنش کم کنی!؟

اسم این فرهنگه. چیزی که می خوایم بررسی کنیم اینه. (نمی خوایم خیلی جدی [به این موضوع] نگاه کنیم، تا حدی که خودتون یه برداشتی داشته باشید).

توی ایران آمار اعتکاف و معتکفین و حضور جوانان در عرصه های مذهبی سال به سال بالا می ره.

هرچی هم کار می کنن که برعکس بشه، برعکس نمی شه.

این سال به سال بالا رفتن آمار یه حالتش ممکنه ماها رو فریب بده، اینکه: پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند در آخرالزمان دین عمومی تر می شه، اما عمقش کم می شه.

یه زمان می گفتن اعتکاف، از هر یک میلیون جوان، به زور 100 تاش حاضر می شدن اعتکاف بیان.

برای اینکه اعتکاف یه عبادت سنگین بود. الان زیاد سنگین نیست، مشتری هم بیشتره.

یعنی عمق دین که کم می شه، سطح دین زیاد می شه.

یه زمان اگر می خواستی جلسات مذهبی کل شیراز رو شرکت کنی (10 - 15 سال پیش) یا خیلی از شهرهای ما نمی دونستن فاطمیه یعنی چی. می گفتی شب شهادت حضرت زهراست.

می گفتن: چند وقت پیش شهادت حضرت زهرا (س) بود. می گفتن: دو تا روایت داره. یکی 75 روزه، یکی 95 روز. طرف گفته بود: حاج آقا ببخشید امام محمد بقولی کیه!؟

گفتیم: بقولی نداریم. گفت: اینجا نوشته، شهادت امام محمد باقر بقولی. به قولی رو خونده بود بقولی.

اینقدر مردم اطلاعاتشون نسبت به خیلی از مسائل پایین بود.

حالا فاطمیه که می شه حداقل 30 تا بوم برای مجلسهای شهری میره بالا . خصوصیت آخرالزمان اینه .  
چی می شه که میزان پخش شدن دین بین مردم زیاد می شه، عمق دین میاد پایین ؟ این یعنی بی فرهنگی .  
از کجا می تونیم اینها رو بفهمیم !؟

اینکه ما گول بخوریم، بگیم پارسال که جام جهانی نبود، امتحانها هم نبود، توی کل کشور 30 هزار تا اعتکاف داشتیم . 200  
- 350 هزار نفر در اعتکاف شرکت کرده بودن، امسال شدن 600 هزار نفر .

وقتی بدون اینکه نگاه کنی تأثیرات این اعتکاف چیه می شمیری، این بی فرهنگیه .  
بی فرهنگی یعنی شما اینجا در یه جمع بسیار خوب نشستی، فضا اینقدر سنگین، اینقدر فشار گریه، اشک و توسل بالاست که  
شما ناخودآگاه بالکل متحول می شی .

حالا اگه فرهنگ نداشته باشی، دقیقاً یه جای دیگه هم بالکل متحول می شی .  
فرهنگ یعنی تغییر کنشها . رفتارهایی که اساساً تغییر کنه .

چرا بعضی از ما اصلاً نمی تونیم فحش بدیم و بعضی از ما نمی تونیم فحش ندیم ؟ این فرهنگه .

هر دو می دونیم فحش دادن، ناسزا [گفتن] و کلمات زشت بر زبان [آوردن] مذمومه . چی می شه در یه بستر خیلی رسمی  
راحت خودمون رو کنترل می کنیم، تا غیررسمی می شه یا رومون فشار میاد، اون رو خودش رو نشون میده . به این  
می گن بی فرهنگی . این مقدمه بحث .

برخی از آمارهایی که خدمتون عرض می کنم، مال اواخر سال گذشته سازمان ملی جوانانه و موثق هست .  
یکی از چیزهایی که مردم این روزها خیلی بهش تکیه می کنن اینه که وضع دین و دینداری روز به روز بدتر می شه .  
در یه پرسشنامه ای که این پرسشنامه فنی بود ( یعنی نیومده بودن توی یه محله ای پرسشنامه پخش کنن ) اجمالی نظر یه  
مقداری از کسبه مختلف، یه مقداری از کارمندها، یه مقداری از تحصیلات بالا، متوسطه و پایین رو آورده بودن . تعداد خیلی  
زیادی از مردم ایران اینجوری ادعا کرده بودن که وضعیت دینی جوانان سال به سال بدتر می شه .  
این یعنی زنگ خطر برای دولت و حکومتی که اسم اسلامی داره و فکری برای فرهنگ جامعه نمی کنه . ( بررسی می کنیم  
که فکرها چیه . )

ما با این نیت وارد کار می شیم .

چیزهایی که فرهنگ ما رو می سازن : ( مبانی فرهنگی )

1- عاطفه و احساسات

بعضی ها می گن این کار احساسیه . [سؤال :] کدوم کار احساسی نیست ؟

آقا شما چرا غذا می خوری ؟ گشنه ام می شه یعنی چی ؟ بگو احساس گرسنگی  
می کنم .

چرا می خوابی ؟ احساس خواب می کنم .

کدوم کار ما توی مملکت احساسی نیست ؟ احساسات یکی از پایه های ساختن فرهنگه . تا به دین می رسن می گن  
احساسی بازیه .

اول تمام چیزهای ما احساسه . منتها احساس باید فرهنگ بسازه .

شما چرا وقتی یه لیوان داغ یا آتیش توی دستته، دستت رو می کشی ؟ احساس داغی می کنی .

چرا وقتی یه لیوان آب سرد می خوری، آرام می شی ؟ احساس آرامش مال چیه ؟

اول تمام مسائل فرهنگی احساسه . اصلاً تا احساس نباشه، فرهنگ تغییر نمی کنه، ممکنه عقیده تغییر کنه، اما فرهنگ تغییر  
نمی کنه .

تا تنور عاطفه و احساسات داغ نشه، فرهنگ تغییر نمی کنه .

دشمنان ما از احساس و عاطفه جذب نشده به امان خدا رها شده جوان برای مطامع خودشون سوءاستفاده می کنن، بعد هم

خود ما کتاب و مقاله می نویسیم و سمینار می گیریم و توی تلویزیون انیمیشن پخش می کنیم که نگاه کن اونها چه جوری جذب می کنن؟

لات، مواد مخدری، هروئینی و فاسده میاد به جوون می گه نوکرتم، چاکرتم، دمت گرم ...  
نمی دونم ما بالاخره باید کدوم ور قضیه رو بگیریم، بگیریم احساسات درسته یا درست نیست؟!  
اگه درست نیست پس چرا می گیم اونها دارن از احساسات استفاده می کنن، چرا شما استفاده نمی کنید؟  
وقتی استفاده می کنیم می گن این کارها احساسیه، بدرد نمی خوره .  
راه حل بده!

مگه می شه جوون تا احساساتش داغ نشه، مطلب بگیره؟

مشکل کجاست؟ مشکل اینجاست که جوان احساس کنه وقتی احساساتش داغ شد، دیندار شده .  
امروز روزه گرفته، شب هم اینجا نشسته، یه چشمی هم به من نگاه می کنه که ما دیگه عمده المکاشفینیم . چرا؟ چون امروز گناه نکردم .

این یعنی چی؟ یعنی فرهنگش ساخته نشده .

قدم اول حتماً احساسات، دوستی و داغ شدن تنور عاطفه است .

جوونی که توی منطقه عملیاتی، برای بغلدستیش روی نارنجک می خوابید، آیه شریفه قرآن توی ذهنش نبود که خداوند تبارک تعالی فرموده است: " وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ " . توی ذهنش این بود که این داداش من، دوست من و رفیق منه، باید خودم رو فدای این بکنم .  
این قلمبه احساسات بود .

ولی همون جوان وقتی برگشت، چون برخی فرهنگش رو نداشتن، خودش رو فدای جامعه نکرد .

## 2- شناخت آگاهیها

یعنی با احساسات تنها جواب نمیده . شما اینجا نشستی، خیلی قشنگ روی احساساتت کار می شه، تحریک احساسی می شی و برای خدای محمد صلی الله علیه و آله وسلم فریاد می زنی .

و فردا یک راهبه یا کشیش دست تو رو با ملاطفت می گیره و می نشونه و با تن صدای بسیار بسیار محزون و اثر بخش کلمات زیبا از خدای عیسی برای تو می گه و فرداشب می شی مسیحی متدین .  
پس فردا گیر یه زردشتی میفتی، با آهنگ و کلام بسیار زیبا و کلمات زیباتر از خدای زردشت برای تو می گه، زردشتی می شی .

روز چهارم مانی، روز پنجم کنفسیوس، روز ششم بودایی، روز هفتم الاماشاءالله .

تازه بعد از 365 تا خدا عوض کردن می شینی، می گی هر طرف بری خداست، فرقی نمی کنی .  
فرهنگ پیدا نکردی .

آدمی که عادت کنه . می گم : شما چرا این مطلب رو می خونی؟ توی این مطلب این خدا و دنیایی که به تو معرفی می شه، شیعی نیست . می گه : نگاه چقدر قشنگ نوشته . این یعنی احساسات .  
وقتی تو فقط قشنگی ها جذب می کنه .

می گم : چرا اینو گوش میدی؟ می گه : قشنگ می خونه .

می گم : تو دیروز توی اعتکاف با قشنگ خوندن قرآن صفا می کردی، بنابراین تو فقط قسمت احساسی قرآن رو گرفتی، به آگاهی نرسیدی . فردا انجیل رو قشنگ بخون، انجیل می خونی .

پس فردا تورات [رو قشنگ بخون] تورات می خونی . هر چیز دیگه ... حافظ، شاهنامه ...

وقتی توی اعتکاف نتونستی به خودت باور کنی و بیاورونی که بنده نیومدم دنبال قشنگیها باشم، بنده اومدم دنبال درستیهها

باشم .

احساساتم رو داغ کردم که به حقایق برسم .

دل زیباپرست با دل خداپرست دو تا مقوله است . بعضی از شما رو بکشن، اعتکاف دیگه ای نمی رید .

می گن : آقا اینجا پر شده، بسته شده . جای دیگه نمی ره .

چرا ؟ چون این دل، دل زیباپرسته . به این دل نمی شه اعتماد کرد که فردا دنبال زیبایی بالاتر نره .

دل باید خداپرست باشه . این بی فرهنگیه .

تو از یه طریق خاص فقط به خدا می رسی . اون طریق چیه ؟ طریقی که دلت

می پسنده .

و چون از طریقی که دلت می پسنده، ضمانتی نیست که فردا دلت یه چیزی پسنده که به خدا نمی رسونتت . برات مهم

نیست !

اینقدر منیت، پسند و زیباپسندی بر بنده و تو حاکمه که اصلاً خدا رو نمی بینیم . فکر می کنیم دنبال خداییم .

بعد از سه روز نگی آقا چی شد؟! فرهنگ رو تغییر بده .

می گی : چرا اومدی اعتکاف ؟ می گه : نمی دونی چه حالی میده . فردا هم یه حال بالاتر میاد، می ره .

خیلی ها اینطورین .

دین رواجش زیاد شده، عمقش کم شده .

3- نگرشها

بعضی ها ذاتاً خوش بین هستن . این فرهنگ درسته و می شه این فرهنگ رو دینی کرد .

بعضی ها ذاتاً بدبین هستن . این فرهنگ رو نمی شه دینی کرد . باید توی اعتکاف عوضش کنی .

بعضی ها ذاتاً خوش باورن . این فرهنگ خوبیه . بعضی ها ذاتاً بدباورن .

بعضی ها تئوریشون، تئوری Y هست . یعنی همه بدنند، مگر اینکه ثابت کنند خوبند .

و بعضی ها تئوریشون، تئوری X هست . یعنی همه خوبند، مگر اینکه ثابت بشه بدنند .

بعضی با این نگرش میان که برسن به اینکه همه بدن .

بعضی میان برای اینکه به خودشون بباورانن که همه خوبن .

چقدر تفاوت فرهنگه .

اگه این نگرشها توی اعتکاف تغییر نکنه، بعدش سخته .

برخی نوع نگاهشون فرق می کنه . برخی می خوان مؤمن بشن که بیشتر داشته باشن . یعنی به فضائل خودشون بیشتر اضافه

کنن .

برخی می خوان خدا رو بپرستن که در حقیقت خود رو بپرستن .

بنابراین اگه فردا امام جماعت شد یه خودپرسته، نه خداپرست .

و بعضی خدا رو می پرستن، برای اینکه دنبال رضای خدا هستن .

بعضی ها سؤال می کنن نماز می خونیم، لذت نمی بریم، باید چیکار کنیم ؟

جوابش خیلی ساده است . من سؤال می کنم . - می خوای نماز بخونی لذت چشایی ببری ؟ یعنی بگی نمازهاش خوشمزه

است؟! نه .

می خوای نماز بخونی که لذت بینایی ببری ؟ یعنی نماز اندازه یه منظره یا فرد بسیار زیبا به چشم تو لذت بده ؟ نه .

می خوای نماز بخونی که لذت لامسه ببری ؟ مثل اینکه یه جسم لطیف رو لمس کنی لذت ببری ؟ نه .

می خوای نماز بخونی که لذت شنوایی ببری ؟ کل عبادتها رو می گم . یعنی

می خوای اندازه یه رایحه ای که گوش تو رو بنوازه لذت ببری ؟ نه .

نعوذبالله نماز می خونی به لذت جنسی برسی ؟ نه .

ببخشید اول تو تعریف کن که لذت چیه؟! از معنویات چه لذتی می خوای ؟

می گه : چرا یه عده از معنویات لذت نمی برن ؟

چه لذتی می خوای ؟ لذتی که می خوای از معنویات ببری دقیقاً چیه ؟ تو اول مشخص کن دنبال چی می گردی؟! اگه فکر کردی نماز می تونه جایگزین ازدواج یا لذت جنسی یا لذت شنوایی، بویایی، چشایی یا لامسه باشه که نماز نمی تونه همچین کاری بکنه .

الان داری اعتکاف میای لذت رو برای ما تعریف کن . می گه : رفتم اعتکاف خیلی لذت بردم . لذت مادی یا معنوی بردی؟! بعضی وقتها ما داریم لذتهای مادیمون رو پای خدا میذاریم .

خوش می گذره، با دوستها و رفیقهاییم دیگه .

خوش می گذره، راحت می گیم، می خندیم، کارهامون رو می کنیم، جلسه است، منبره، چهار تا جک هم منبری می گه، مداح قشنگ می خونه، سینه می زنیم، خیلی ردیف . توی صف هم مسخره بازی داریم، به همدیگه می خندیم، اشکالی نداره ها! اما می خوام بگم اگه برای این لذتها اعتکاف اومدی، فردا از این بالاترش توی جامعه هست و نمی تونی اعتکافت رو حفظ کنی، چون تو دنبال لذتی . اول لذت رو تعریف کن .

دقیقاً از خدا چی می خوای ؟ این قشنگ برای ما تعریف بشه .

لذت معنوی یعنی چی ؟ یعنی انسان روحش راضی باشه .

روح راضی یعنی انسان به جایی برسه که برایش فقط و فقط رضای خدا مهم باشه و رضای خدا بهش لذت بده . از اینکه خدا راضیه، کیف کنه .

بگه ما رفتیم اعتکاف، گرم بود، سرد بود، گشنگی، تشنگی، شب بیدار موندیم، جلسه رفتیم، نرفتیم، روزه بودیم، نبودیم، و خدا دید و از ما راضی شد و اینکه خدا از من راضی شده برای من کیف داره . لذت معنوی یعنی همین .

اگه به این سمت رفتی و فرهنگت رو تغییر دادی، از فردا هم توی خیابون و اینور و اونور خیلی ساده تر می تونی به لذت معنوی برسی، چون اعتکاف عبادت سنگینه .

اینجوری خیلی ساده تره! آدم زبونس رو می بنده لذت ببره . چشمش رو می بنده، لذت می بره . گوشش رو می گیره لذت ببره . روش رو اینور می کنه لذت ببره .

اصلاً بیرون بساط ریخته . اونهایی که غصه می خورن بعد از اعتکاف چیکار کنیم، بیان لذتگراییشون رو عوض کنن که بعد آرزوش بشه زودتر بره بیرون . چون بساط لذت بیرون بیشتره .

این فرهنگه . فرهنگیه که دنبال لذت خواهیه . فرهنگیه که دنبال این می گرده به خودم و جسمم چی برسه . مشخصه این فرهنگ نمی تونه دیندار بار بیاره .

نگرشها، تصحیح اینها بحثی است که خواهیم داشت .

اولین چیزی که بررسی می کنیم بحث فرهنگ در اعتقاداته .

طبق آماری که ما داریم 30 درصد مردم به اعتقاداتشون شک می کنن و از این 30 درصد عده زیادی دنبال تصحیح اعتقادات و شک نکردن به اونها و برطرف کردن شک نمی رن و با اولین شک راهشون رو کج می کنن .

(مثال) یه دانش آموز زرنگ و یه دانش آموز تنبل داریم . دوتاییشون خبر دارن که 24 خردادماه امتحان دارن .

یدفعه یه هفته قبل از 24 ام، یه کسی به این دو تا تماس می گیره . به زرنگه می گه : فکر می کنم 24 ام امتحان نباشه .

به تنبل هم همین رو می گه، می گه فکر کنم امتحان 24 ام لغو شده . ظاهراً استاد لغو کرده .

زرنگ بلافاصله با یکی از دانش آموزان یا دانشجویان تماس می گیره، می گه امتحان 24 ام لغوه ؟ می گه : نمی دونم . حالا سؤال می کنم .

زنگ می زنه آموزش یا مدرسه، بالاخره به یقین می رسه که امتحان 24 ام لغوه یا لغو نیست؟! والسلام .

تنبلی می گه : آه، امتحان 24 ام لغوه ....

بهش می گی : یارو گفت فکر کنم . می گه : انشاءالله لغوه دیگه، کتاب رو می بنده .  
برخی از مردم دوست ندارن با خدا باشن، دنبال شک می گردن که بی خیالش بشن .  
تموم شد رفت !

یعنی چی ؟ یعنی 40 هزار تا آیه و روایت براش میاری که فلان کار مشکل داره، ایشون می خواد اینو انجام بده، یه نقل قول از یه کتاب دست ششمی، از یه نویسنده و منبع غیر موثق، توی یه جای گمشده، پشت یه قبرستون پیدا می کنه که بهش جواز بده این کار رو بکنه .

می گی : امتحان لغو نیست، کتاب رو نبند . ایشون دنبال بهونه می گرده .

بعضی دنبال بهونه می گردن خوب باشن، بعضی دنبال بهونه می گردن خوب نباشن . این دو تا فرهنگه . نمی شه با این راه اومد .

مردم در مسیر عبادت، فرهنگشون، فرهنگ تکلیف مداری نیست . یعنی دنبال این نمی گردن که وظیفه شون رو انجام بدن .  
\* 20 درصد از مردم مسلمان شیعه ما پایبندی به مسائل دینی رو جزء دین نمی دونن .  
یعنی می گن تو می تونی دیندار باشی، نیازی نیست به دستورات خدا پایبند باشی .  
تو دینداری، دینداری به این نیست .

\* 45 درصد از مردم ما اعتقاد دارن قلب باید پاک باشه و پایبندی به اخلاقیات  
می تونه انسان رو از دین بی نیاز کنه .

45 درصد مردم ما می گن آدم باش . نمی خواد دین داشته باشی، اینقدر دیندار داریم که آدم نیستن . راست هم می گه .  
ولی قبول نمی کنن اونهایی که آمدند، دین دارن . نمی شه بدون دین آدم باشی .  
می گه : چرا، فلانی رو نگاه کن . اخلاقش خوب، رفتارش خوب، نگاه کردنش خوب، محبتش خوب، پول خرج کردنش خوب، هیچ رفتار دینی هم نداره .

نه نماز می خونه، نه روزه می گیره، نه مسجد می ره، نه قیافه اش حزب اللهیه، نه حجاب داره، ولی چه آدم خوبیه .  
باور کنید توی همین جمع معتکفین، درصد بالایی از شما با این جملاتی که گفتم توی ذهنتون گفتید راست می گه .  
یعنی درصد زیادی از شما گفتید کسی که هم اخلاقش خوبه، هم رفتارش خوبه، هم بخیل نیست، هم اهل صدقه است، هم کمک می کنه، حالا اگه حجاب نداره، نماز نمی خونه، روزه نمی گیره، مهم نیست، آدم خوبیه .  
و واقعاً بعضی از اینها باعث فریب ما می شن .

45 درصد مردم ما اعتقاد دارن این آدم خوبه، [دیگه] دین نمی خواد .

یعنی ماها چون ذاتاً آدمهای بد و پست و کثیفی هستیم، مجبور شدیم خودمون رو با دین کنترل کنیم، اگه بتونیم بدون دین خودمون رو کنترل کنیم، آدم خوبی هستیم دیگه . اخلاقش رو نگاه کن ! لباسش منظم، همه چی ردیف .  
یه کسی تعریف می کرد، چقدر منظم، چقدر تمیز، [آدم] نگاه می کنه خیابونهاشون داره برق می زنه، صورتهاشون برق می زنه، لباسهاشون برق می زنه، روزی یه بار دوش می گیرن، چقدر مرتب و مؤدب، به همدیگه دست میدن .  
یه ذره خاک روی کفش آدمی که توی کل شهر بگرده، پیدا نمی شه . بهترین اخلاقیات رو دارن . چقدر قشنگ، متبسم، خندان، مهربون، اینها برن جهنم !؟

ماهایی که صبح تا شب توی گودعربون و کل مشیر توی سر و کله همدیگه می زنیمن و پدر همدیگه رو در میاریم و با شارلاتانی و فحش و فحش کاری توی خیابون راه باز می کنیم و یه دستمون روی بوق، کله مون از پنجره بیرونه و مشغول صحبت راجع به خانواده اطرافیان، وقتی هم بر می گردیم با زن و بچه و دوست و رفیق غیبت همدیگه رو می کنیم و دستمون توی جیب همدیگه است، تمام اداراتمون بر مبنای رشوه میره بالا، ما بریم بهشت، اونها برن جهنم !؟  
درصد بالایی از معتکفین این جملات رو قبول دارن . و اگه همین الان منبر رو ختم کنم، همه به این نتیجه می رسن .

این یه مشکله .

\* 30 درصد مردم ما اعتقاد دارن عقب ماندگی مسلمین در مسائل جهانی و علمی به خاطر دینداری مسلمینه .

اگه نبود دهه فاطمیه، دهه محرم، دهه صفر، 30 شب ماه رمضان، سه شب اعتکاف، جمعه، پنجشنبه، درصد بالایی از عقب ماندگی مسلمین مال اینه که مردم یا توی مسجد علافند، یا توی اعتکاف علافند، یا توی ماه رمضان هستن، یا دهه محرم تعطیل کردن و اونها [این برنامه ها] رو ندارن، در مسائل علمی پیشرفت کردن .

درصد بالایی از مردم ما این اعتقاد رو دارن . می گن دین مسلمین رو علاف کرده .

\* 25 درصد مردم جمهوری اسلامی اعتقاد دارن اگه علم باشه ما نیازی به دین نداریم .

امروز ما نمی دونیم چرا سرمون درد می کنه و به خدا پناه می بریم . مثل بیماریهای لاعلاج . امروز چون ما دواي سرطان رو نداریم به علی بن موسی الرضا متوسل می شیم و گرنه اگه دواش رو داشته باشیم، خود اهل بیت گفتن اول برو پهلوی طبیب، بعد بیا سراغ ما .

عده زیادی از مردم اعتقاد رو دارن . روز به روز که دین جلوتر می ره، علم راهها رو باز می کنه و ما نیازی به دین نداریم .

اینها فرهنگه و ما با سه روز اعتکاف نمی تونیم با این فرهنگ مبارزه کنیم، باید آگاهی رو ببری بالا .

\* 40 درصد مردم اعتقاد دارن عدم توجه به تکالیف دینی آدم رو بی دین نمی کنه .

می گه : عزیزم این حرفهایی که می زنی مال خدا شناسی آخوندهاست .

این آخوندها اگه اندازه یه بازاری خدا رو می شناختن، اینقدر مردم رو از خدا و تکلیف نمی ترسوندن .

نگاه کن کشیشها چقدر جذابیت دارن . مبلغین مسیحی رو نگاه کن، مبلغین

فرقه های نوظهور رو نگاه کن، چرا اینقدر جذابیت دارن !؟

برای اینکه تو از نمره 1 دین تا نمره 20 دین در جلسه این بابا که شرکت کنی، راضی میای بیرون . و به تویی که 2 گرفتی،

یعنی قبول نشدی، یه جوری القاء

می کنه که آدم خوبی هستی و اگه بخوای به کثافت کاریها و جنایتهات ادامه بدی، وجدانت سبک شده .

یعنی در حقیقت این جلسات دینی که اینقدر بازه و تکلیف رو از تو می گیره، داره ادامه جنایتکاری و سیاه کاری تو که یه

چیزی به عنوان وجدان در مقابلت سد ایجاد کرده رو برمیداره . [میگه] راحت باش عزیزم .

بابا ! داری تا دم مسجد شهداء می ری، ببند صورتت رو، اعتکافت باطل شد ...

می گه : ای آقا ! به خدا اینقدر مردم هستن که دو زار حجاب ندارن، سالی یه بار هم خدا نمی گن، این دختر ما حداقل سه

روز رفته برای خدا گریه می کنه . راحت باش عزیزم !

این یعنی چی ؟ یعنی دین تکلیف نداره .

یه وقت هست به تو می گیم برادر تو با این سنت، خواهر تو با این سنت، با هر شرایطی اومدی اعتکاف، خیلی بالاتر از کسانی

هستی که نیومدن . چرا ؟ چون اومدی، ولی من تحمل نمی کنم که وسط اعتکاف فحش بدی .

من نمی تونم تحمل کنم، یعنی بگم به خاطر اینکه این بابا اومده اعتکاف، اجازه داره [فحش بده] .

بگم یه عده توی چهار تا خیابون پایین تر فحش میدن، این فحشش رو انتخاب کرده که توی اعتکاف بده، بازم جای خوبیه .

غلط می کنه !!

وقتی آدم به سمت دین میاد باید یه پایبندی هایی داشته باشه .

بین فحش دادن با رفتارت به خدا، توی خارج از اعتکاف و داخل اعتکاف فرق بذاری مال بی فرهنگیته .

بی حجابیت در خیابان و اعتکاف، مال بی فرهنگیت می شه . یعنی اعتکاف وجدان رو از جلوت برداشته . این اعتکاف به حال

تو مضره . برای اینکه باعث می شه تو یه سال دیگه برای ادامه دادن مسیر گناه احساس ایمنی کنی .

می گه : انشاءالله سال دیگه می ریم باز پاکش می کنیم . مگه اینجا کلیساست !؟ تو باید اینجا تغییر فرهنگ بدی . نیومدی

اینجا که اعتراف کنی و بار گناهت رو برداری.

نیومدی اعتراف کنی و امشب مناجات کنی و اشک بریزی که بار گناهت سبک بشه که برای ادامه دادن گناه روحیه داشته باشی و وجدان که سر سنگینی می کرد رو ساکت کنی و بگی دیدی رفتم مسجد شهدا، هیچکس از دور و بریهای من نیومد . من رفتم اعتکاف شرکت کردم، سه روز هم گریه کردم . و یک سال دیگه روحیه دارم .

بعد می بینی برادر و خواهری که میاد، وقتی بر می گرده مسیرش رو ادامه میده .

چرا اومدی ؟ چرا اجازه میدی شیطان از مسیر اعتکاف به تو برای گناه کردن و ادامه دادن روحیه بده ؟

\* 55 درصد کسانی که به آگاهی می رسن، به آگاهیهای خودشون عمل نمی کنن .

یعنی برادر و خواهر اینجا نشسته با خودش می گه راست می گه، من توی پروژه شیطان گیر کرده بودم، شیطان تکلیف رو از من گرفته بود و این اشکها و مناجاتها و مشهدها و اعتکافها و من عاشق امام رضام و چهارشنبه ها جمکران می رم، فقط و فقط برای این بود که بار فشار وجدان از روم برداشته بشه، راحت تر بتونم مسیر گناه رو ادامه بدم .

من ماهی یه بار، سالی یه بار مشهد و جمکران می رم برای اینکه وجدانم رو ساکت کنم . هیچ فرقی با بقیه گنهکارها ندارم . من گنهکاری هستم که از بقیه گنهکارها راحتتر گناه می کنم . چون هر چند وقت یه بار وجدانم رو ساکت می کنم . الان نشسته، فکر می کنه، اینها رو فهمید .

55 درصد کسانی که به شناخت و معرفت و آگاهی می رسن، به آگاهیهای خودشون عمل نمی کنن .

می خوایم ببینیم آخرش چیزی ته کاسه این اعتکافها و کارهای فرهنگی ما بدون تغییر فرهنگ می مونه یا نه؟! باید فرهنگ رو تغییر بدیم .

اینکه من بشینم اینجا و بگم گریه کنید، خدا مهربان و ارحم الراحمین، خوبه و همه رو می بخشه و ادامه ندیم که شرطش اینه که تو تغییر کنی و تغییر فرهنگی رو در خودت ایجاد کنی، این خیانت به تو می شه یا نمی شه؟! شرطش اینه در خودت تغییر ایجاد کنی .

شرطش اینه نگرشت فرق کنه . شرطش اینه که اصل رو رسیدن به لذت نداری .

داریم بررسی می کنیم .

و از این 45 تایی که از اون 30 تا، چیزی که ته کاسه بود، احساساتشون رو کنترل کردن و استفاده کردن، به شناخت و آگاهی رسیدن، به ارتقاء فرهنگی هم رسیدن، یعنی تغییر کردن، از این جمع فقط و فقط 15 درصدشون می رن بیرون و فرهنگشون رو ترویج می کنن . یعنی ته کاسه از هزار تا دو تا هم نموند .

اونور داستان رو نگاه کن چه خبره . دو هزار تا شبکه و تشکیلات و فلان دارن فرهنگشون رو ترویج می کنن .

از اینور ماجرا تغییرات فرهنگی که امثال اعتکافهای ما، مجالس ما، کلاسهای ما، حوزه های علمیه ما، دانشگاههای ما انجام میدن، تهش که هیچی نمی مونه، همون هیچی 15 درصدشون احساس تکلیف می کنن که این فرهنگ رو ترویج بدن . چه اتفاقاتی میفته؟!

پیش بینی های آخرالزمان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم :

می فرمایند : در آخرالزمان جای حسن و قبح عوض می شود . منکر امر می شود و معروف نهی می شود .

چون تغییر فرهنگ ندادی، فردا دختر و پسر می خوان رعایت کنن، می گه من

می خوام حجابم رو رعایت کنم . از حجاب دار بودن نهی می شه .

منکر ارزش می شه، معروف بی ارزشی .

یعنی اگه فردا دزدی نکنی، زنت به رخت می کشه . باجناقت رو نگاه کن، 5 ساله ازدواج کرده . خونه داره، ماشین داره، درآمد داره، سونا و جکوزی هم زده و .... و این زن اینقدر بی فرهنگ که فکر نمی کنه شوهر این و باجناقش که با هم 5 سال شروع کردن، اون از کجا به اینها رسیده؟! چون دزدی بهش امر می شه .

در جامعه امروز منکر مشهور می شه، امر می شه .

می گه : خاک توی سرت، یاد بگیر . امر به دزدی !

از یکی از دوستان سؤال کردم ببخشید از کجا آوردی؟

باور کنید برخی از دزدها توی همین "از کجا آوردی" یه کلمه نمی‌تونن جواب بدن.

مثلاً به من بگن آقای انجوی لباست رو از کجا آوردی؟ بگم: لباسم یه جایی ...

نمی‌تونم بگم، من و من می‌کنم.

ولی بنده که امروز از در میرم بیرون، بررسی کنید که یک میلیون کل سرمایه امه، شش ماه بعد بشه دو میلیارد تومن، نمی‌تونم من من کنم. این داره امر می‌شه.

می‌گه: خاک توی سرت، ببین 5 ساله به کجا رسید!!

- از چه راهی به کجا رسید؟ نمی‌تونن من و من کنی و من کنی باشه.

باید یه راهی بهشون نشون بدن.

بلافاصله بگه پدربزرگم در بورکی نافاسو بود یا آفریقای جنوبی. بس که شیپور زدن سخته کرد مرد، اموالش رسید به ما.

یه جمله بگه، غیر از این ممکنه!؟

منکر داره امر می‌شه.

\* برعکس شدن کارهای فرهنگی و راهکارهای فرهنگی

یعنی می‌خوایم با فرهنگ برخورد کنیم، با رفتار برخورد می‌کنیم.

آقا بغل خیابون ماشینها رو کنار همدیگه توی شش طبقه قطار بکنن، روش هم تابلو می‌زنن مزاحمین نوامیس مردم.

این یعنی چی؟ یعنی فامیل و دوستش که رد می‌شن، ماشینش رو می‌شناسن.

- اه، ماشین کیه؟ ماشین کامبیزه.

دو سال بعد که کامبیز می‌خواد بره خواستگاری، آزیتا جون می‌گه دو سال پیش ماشینش رو برای نوامیس مردم گرفته

بودن. یعنی ایشون حق خواستگاری رفتن توی فامیل و اطرافیان رو نداره.

عکسش هم می‌گیرن و همه جا می‌زنن.

یعنی ما با یه منکر برخورد می‌کنیم، در عوض یه منکراتی ذاتی می‌سازیم.

نوع برخورد با منکر، خودش منکر می‌شه.

آبروی مردم رو می‌بره، هزار تا مشکل ایجاد می‌کنه، یه کسی می‌سازه که راه برگشت نداره که ایشون توی خیابون برای یه

خانمی بوق زده یا اصلاً مزاحم شده.

گوشش رو بگیر، ببرش توی پس کوچه، گواهینامه اش رو بگیر، ماشینش رو سه هفته بخوابون. تابلو می‌زنه، بغل خیابون نگه

میداره "مزاحمین نوامیس مردم"

بعد اون بدبخت بیچاره که با یه پیکان 42 مزاحم شده. کنار سوناتا و ... این هم هست. "مزاحمین نوامیس مردم"

نوع برخورد با منکر فرهنگی، خودش منکره.

من توی مصادیق وارد نمی‌شم، می‌خوام بگم در آخرالزمان منکرات با منکرات بالاتر جبران می‌شه.

قدیما بین علما یه بحثی بوده، می‌گفتن دفع افسد به فاسد.

مثلاً اگه این آقا می‌خواد قتل کنه، بیاد بگه دو حالت داره: یا میذارن این آدم رو بکشم. یا دو تا پیاله مشروب بخورم که از

یادم بره.

توی علما بحث بود که اجازه داریم این کار رو بکنیم. برای اینکه آدم نکشه، دو تا پیاله مشروب بهش بدیم، بگیم بخور، برو

گمشو، نمی‌خواد آدم بکشی.

دفع افسد به فاسد. قدیم روی این بحث بود. علما هم به نتیجه نرسیدن که مجازه این کار رو بکنیم یا نه!

امروزه دفع افسد می‌کنیم به فاسد.

مثلاً فرض می‌کنیم جوون توی فامیل یه گناهی کرده. مثلاً مادرش دیده داره یه گوشه ای یواشکی با تلفن صحبت می‌کنه.

بررسی کرده، دیده با اون کسی که پشت تلفن صحبت می کرده به رابطه تلفنی دارن، نامشروع .  
زنگ می زنه، داد می زنه، توی فامیل پخش می کنه، غیبت، تهمت، تحقیر، هزار تا بدبختی سرش در میاره، 200 تا گناه  
کبیره مرتکب می شه که جلوی این گناه رو بگیره .  
یه فیلم سینمایی رو چند وقت پیش تلویزیون نشون داد و من از این برداشت هوشمندانه لذت بردم .  
4 تا دزد بودن، 2 میلیون دلار پول می خواستن، 3 نفر رو گروگان گرفته بودن .  
وقت گذاشته بودن که یه ربع دیگه 2 میلیون دلار رو به ما برسونید . به سرعت پلیس شهر داشت می رفت، توی مسیر 200  
تا تصادف کردن . ماشینها از اینور به اونور می خوردن به همدیگه . من دیدم اینها 60 میلیون دلار خسارت زدن، 200 نفر  
هم کشتن که برسن اون سه تا گروگان رو نجات بدن .  
بعضی وقتها ما داریم اینجوری کار می کنیم . دفع فاسد می کنیم به افسد .  
200 تا کار غیرفرهنگی می کنیم که می خوایم یه معطل فرهنگی رو حل کنیم .  
ببخشید اگه نخوایم شما معطل فرهنگی جامعه رو حل کنید، باید کیو ببینیم ؟ معلمی که خودش تمام ضد فرهنگه، اگه ما  
نخوایم ایشون از فرهنگ و دین دفاع کنه، نخوایم احساس غیرت نسبت به خون شهداء بکنه، باید کیو ببینیم ؟! که سر  
چهار تا نوجوان و جوان داد نزنه و فحش نده که خجالت بکش اکبیری کثافت لجن، به خون شهداء خیانت نکن باید کیو  
ببینیم ؟! که ایشون 200 تا گناه کبیره برای برخورد با یه گناه صغیره مرتکب نشه !!  
معطلات فرهنگی !  
دفع فاسد به افسد .  
مقدمه ای که عرض کردیم این بود که باید توی اعتکاف سعی کنیم معطلات فرهنگی رو برطرف کنیم .

**جهت دسترسی به مطالب بیشتر، به سایت زیر مراجعه فرمایید.**

[www.ziaossalehin.ir](http://www.ziaossalehin.ir)